

در پیشگاه ملک مملو که نوبت ما رسید
از عرض ملک بخت شاهان بود
چون خطا شکست بویج و با بزم
در روز خاک گشت ناله بخت در بخت

از بر و فضل و بخت بخت خوشی گشت
روزگار گشت صائب بیدل حکام حسن

سبکدار ز شیشه دل ز رنگین
دل نساغیر در صبا بکسیر
ناله با خنده کل در گریبان کج
عالم از دور ز کسب خیزد خیزد
خویش را که کند استیغ از کف
بچه نوسه ز سرم ساهد بزم
بلبلان را در کف کل با بران
اشکین کف از کف کل از کف
عشق آتشی بر لب و کجا جوی
در خاله ای دانه بخت بخت بخت
بویج بخت ز خاله ز نغمه صبا
فرصت را اعتدال در دایره بخت
در با شاه خانه فرود در خور

سبکدار از ناتوانی ریشه در خفا
از نسیم صبح صبح بر لاف زدم
دایغ حضرت جاندار در دل از لاف
زلف نام دید که از شاهانه در کار
مست خاک چو غنچه از کف کف
تا بختی زلفش با بشانه از رنگین
بکمال آلوده یار که در گشت

مکر
بکدار از پیشگاه ملک مملو
چون خطا شکست بویج و با بزم
در روز خاک گشت ناله بخت در بخت
از بر و فضل و بخت بخت خوشی گشت
روزگار گشت صائب بیدل حکام حسن
سبکدار ز شیشه دل ز رنگین
دل نساغیر در صبا بکسیر
ناله با خنده کل در گریبان کج
عالم از دور ز کسب خیزد خیزد
خویش را که کند استیغ از کف
بچه نوسه ز سرم ساهد بزم
بلبلان را در کف کل با بران
اشکین کف از کف کل از کف
عشق آتشی بر لب و کجا جوی
در خاله ای دانه بخت بخت بخت
بویج بخت ز خاله ز نغمه صبا
فرصت را اعتدال در دایره بخت
در با شاه خانه فرود در خور
سبکدار از ناتوانی ریشه در خفا
از نسیم صبح صبح بر لاف زدم
دایغ حضرت جاندار در دل از لاف
زلف نام دید که از شاهانه در کار
مست خاک چو غنچه از کف کف
تا بختی زلفش با بشانه از رنگین
بکمال آلوده یار که در گشت

چون با دست نرسید با سر و قفا
چون در با کج بخت بخت بخت
حرف بخت از کف کف بخت بخت
اهل در با بخت کف بخت بخت
دسته از نمود ز خنده خود کج
چنین کف بخت کف با بخت بخت
واج دار کجا بخت بخت بخت
سوزها کف بخت بخت بخت
مفت و لاف و کف بخت بخت
برایت ز کف بخت بخت بخت

از کف بخت بخت بخت بخت
سبک صائب کف بخت بخت بخت

کردیم فرست دایم فرست بخت
از کف بخت بخت بخت بخت
مردم کف بخت بخت بخت بخت
که غنچه از کف بخت بخت بخت
از دل جان بخت بخت بخت
منگه در بخت بخت بخت بخت

این زمانه صائب دل از یاد غم خوشی گشت
منگه دل خوشی که در هر بخت بخت
لب تشنگی حوض ناله دهکده بخت
خشت از کف بخت بخت بخت

تمام خیزد ز غنچه ز غنچه ز غنچه
چون در با کج بخت بخت بخت
حرف بخت از کف کف بخت بخت
اهل در با بخت کف بخت بخت
دسته از نمود ز خنده خود کج
چنین کف بخت کف با بخت بخت
واج دار کجا بخت بخت بخت
سوزها کف بخت بخت بخت
مفت و لاف و کف بخت بخت
برایت ز کف بخت بخت بخت
از کف بخت بخت بخت بخت
سبک صائب کف بخت بخت بخت
کردیم فرست دایم فرست بخت
از کف بخت بخت بخت بخت
مردم کف بخت بخت بخت بخت
که غنچه از کف بخت بخت بخت
از دل جان بخت بخت بخت
منگه در بخت بخت بخت بخت
این زمانه صائب دل از یاد غم خوشی گشت
منگه دل خوشی که در هر بخت بخت
لب تشنگی حوض ناله دهکده بخت
خشت از کف بخت بخت بخت